



استعمار با مبدأ دایبی از تاریخ به دنبال آن است ۱۳ آبان را نقطه آغاز رابطه خصم آلود آمریکا با ایران معرفی کند
اماروایت پنهان آمریکایی ها چه می گوید؟

۲۸ مرداد، روز صفر خصومت

گروه سیاسی: استعمار صرفا محدود به «تسلط بر یک کشور و غارت منابع طبیعی آن» نیست، تسلط هدفمند بر روایت یک واقعه تاریخی هم از وجوه استعمار است. به طور مشخص در تاریخ معاصر ایران، حوادثی رخ داده که برخلاف آنچه اتفاق افتاده روایت می‌شود. در این میان چرایی آغاز جنگ تحمیلی، نحوه برخورد با سازمان تروریست منافقین و البته تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در ۱۳ آبان ۵۸، همیشه محل تقابل و رویارویی روایت‌ها بوده است.

اساسا قضاوت نسل‌های امروز نسبت به مقاطع و حوادث تاریخی، متأثر از روایت موجود است و در این میان، روایت استعماری تلاش می‌کند با مبدأ دایبی از وقایع تاریخی که در تضاد منافعی است، چهره خود را تطهیر کند.

آشناترین مبدأ دایبی استعمار از حوادث تاریخی ایران را در واقعه ۱۳ آبان ۱۳۵۸ می‌توان پیدا کرد.

با تسخیر لانه جاسوسی (سفارت) آمریکا به دست دانشجویان پیرو خط امام، رابطه ایران و آمریکا تحت تأثیر قرار گرفت و به یک تقابل حداکثری رسید، تقابلی که تا امروز هم ادامه یافته است.

مبدأ دایبی استعمار از تاریخ به دنبال آن است که ۱۳ آبان را آغاز رابطه خصم آلود آمریکا با ایران به حساب آورد. بر همین اساس، آنچه تا پیش از این تاریخ جریان داشت، با ماجراجویی دانشجویان ایرانی وارد مرحله نزع شده است. این روایتی است که جریان غرب‌گرایی داخلی هم به دنبال تئوریزه کردن آن در جامعه ایرانی، بویژه نسل‌های امروز است. چنانکه در کنار اصلاح‌طلبان، برخی گروه‌های غرب‌گرا از جمله نهضت آزادی سرآغاز رابطه خصم آلود ایران و آمریکا را تسخیر سفارت این کشور توسط دانشجویان پیرو خط امام می‌دانند.

اما برای عبور از این مبدأ دایبی با روایت استعماری

در دیگر کشورهایی که نظام‌های انقلابی‌شان به دنبال استقلال ملی کشورشان بودند و البته پذیرش شاه مخلوع ایران توسط آمریکا و عدم استردادش به ایران، دانشجویان ایرانی را به این جمع‌بندی رساند که بقا و تثبیت انقلاب نوپای اسلامی، جز با کوتاه کردن دست آمریکا از ایران، محقق نمی‌شود.

اساسا در روزهای پس‌پیروزی انقلاب اسلامی، مردم ایران نگران تکرار کودتایی مشابه آنچه در ۲۸ مرداد ۳۲ اتفاق افتاد، بودند. به همین دلیل با دیده تردید و احتیاط نسبت به آمریکا نگاه می‌کردند. در چنین شرایطی، پذیرش شاه مخلوع و فراری ایران از سوی آمریکا، مردم انقلابی ایران را به این یقین رساند که تکرار پروژه‌های مثل کودتای ۲۸ مرداد که علیه دولت مورد حمایت مردم انجام شد، این بار علیه انقلاب اسلامی حتمی خواهد بود؛ باوری که اسناد منتشر شده از سفارت آمریکا بخوبی آن را تصدیق کرد و انجام چند کودتای ناکام علیه انقلاب اسلامی، مهر تأییدی بر آن زد.

با توجه به این موارد، باید گفت ۱۳ آبان ۱۳۵۸ روز صفر یا مبدأ و سرآغاز تاریخ نزع میان ایران و آمریکا به حساب نمی‌آید و اقدام دانشجویان پیرو خط امام که البته با حمایت گسترده مردم ایران هم همراه شد، نه یک کنش، که واکنشی به سیاست‌های چندین ساله آمریکا در قبال ایران بوده است. مبدأ‌گذاری این روز و تبدیل واکنش ایرانیان به عملیات آمریکا

در کودتای ۲۸ مرداد به یک کنش آغازین، سدی مقابل فهم یکی از مهم‌ترین نقاط عطف تاریخ معاصر ایران به شمار می‌رود و تردستی جریان‌های غرب‌گرا برای مبدأ‌گذاری این روز به عنوان نخستین پرده از تخاصم آمریکا علیه ایرانیان، تحریف آشکار تاریخ است.

آمریکایی‌ها به رغم پذیرفتن انجام کودتا علیه دولت ملی ایران، ۱۳ آبان ۵۸ را مبدأ خصومت تهران - واشنگتن می‌دانند. با این حال روایت‌های پشت پرده و غیررسمی آنها بر نقش تأثیرگذار کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ بر خصومت مردم ایران با ایالات متحده تکیه می‌کند.

سال ۲۰۰۰ میلادی، روزنامه نیویورک تایمز در گزارشی به روایت‌های پنهان سازمان سیا از کودتای ۲۸ مرداد پرداخت. نیویورک تایمز با اشاره به گم شدن ۵

دهای نقش آمریکا در کودتای نظامی ۲۸ مرداد و تثبیت دیکتاتوری محمدرضا پهلوی نوشت: کودتای ۲۸ مرداد (۳۲) در ایران، با ایجاد نفرت ضدآمریکایی در مردم ایران، به طور ناخوسته زمینه را برای وقوع انقلاب اسلامی علیه آمریکا و رژیم پهلوی فراهم کرد.

نیویورک تایمز در ادامه می‌نویسد: ۲ روز پس از کودتا، مقامات سیا (سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا) ۵ میلیون دلار برای تحکیم قدرت پهلوی در ایران اختصاص دادند.

در ادامه گزارش این روزنامه آمریکایی آمده است: دونالد ویلبر (از طراحان کودتای ۲۸ مرداد) در خاطرات سانسور شده خود توسط سیا که سال ۱۹۸۶ منتشر شد، نوشت: «کودتای ایران

با اقدامات بعدی سیا در کشورهای دیگر متفاوت است. طراحان کودتای آمریکایی، با راه‌اندازی ناآرامی قابل توجه در ایران، به ایرانیان حق انتخاب روشنی بیسی نمی‌توانستند و حمایت از محمدرضا پهلوی دادند.»

نیویورک تایمز در ادامه، با اذعان و اشاره مستقیم نسبت به نقش آمریکا در ایجاد خصومت میان مردم ایران علیه این کشور نوشت: کودتای ۱۹۵۳ نقطه عطفی در تاریخ معاصر ایران بود و همچنان عامل تحریک‌کننده و خصومت در روابط تهران و واشنگتن است. کودتا قدرت شاه را تثبیت کرد که به مدت ۲۶ سال دیگر با دست آهنین و با روابط نزدیک با ایالات متحده، حکومت کرد. او سال ۱۹۷۹ توسط انقلابیون سرنگون شد و در

اواخر همان سال، راهپیمایان ایرانی سفارت آمریکا را تصرف و اعلام کردند نقاب جاسوسی را از چهره سفارت آمریکا برداشتند.

نیویورک تایمز می‌نویسد: بسیاری از مردم ایران همچنان از نقش ایالات متحده در کودتای ۲۸ مرداد و حمایت از محمدرضا پهلوی ناراضی‌اند.

این روزنامه آمریکایی در ادامه گزارش خود به نقل از مادلین آلبرایت، وزیر اسبق خارجه آمریکا که اکنون در قید حیات نیست، نوشت: دولت ایزنهاور معتقد بود اقداماتش علیه ایران به دلایل استراتژیک موجه است اما کودتای ۱۹۵۳ آشکارا یک عقبگرد برای توسعه سیاسی ایران بود و اکنون به‌راحتی می‌توان فهمید چرا بسیاری از ایرانیان همچنان از این مداخله آمریکا در امور داخلی خود ناراضی هستند.

طرح آمریکایی تجزیه ایران پس‌انقلاب اسلامی

بی‌دریغ توده‌ها برخورد دارند، آنها را نابود کنند. معذک بنیادگرایان اسلامی نیز آسیب‌پذیر هستند. به نظر من حداقل ۲ سناریو وجود دارد که می‌توان آشوب به پا کرد و باعث سقوط نهایی آنان شد.

گزارشگر سفارت آمریکا سناریوی اول را اینگونه تشریح می‌کند: «نیروهای رو به تفرق ناشی از نارضایتی‌های نژادی و منطقه‌ای، که اگر به نحو نامناسبی با آنها برخورد شود، می‌توانند سبب بسته شدن حوزه‌های نفتی و رکود در اقتصاد سنتی شوند یا ناسیونالیسم آنقدر بی‌اثر شود که توده‌های مردم از عدم استعداد و توانایی رهبران اسلامی خود ناراضی و ناامید شوند.»

در یک سند دیگر به تاریخ ۱۵ مرداد ۱۳۵۸ که دارای طبقه‌بندی «سری» است، چنین آمده است: «کردها ممکن است از قدرت کافی برای تضمین خودمختاری بیشتر برای خود در غرب ایران برخوردار باشند اما در حال حاضر فکر می‌کنیم آنها قادر به بسط قدرت و نفوذ خود جهت براندازی دولت نیستند. اگر کردها، آذربایجانی‌ها، اعراب و سایر گروه‌های قومی، تلاش‌های خود را هماهنگ کنند (افتشاش همزمان و در جهت مشترک سرنگونی دولت کنونی، با یکدیگر همکاری و از یکدیگر حمایت کنند، به عقیده ما آنها

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سفارت آمریکا به مرکزی برای جاسوسی و توطئه علیه ایران تبدیل شد. یکی از این توطئه‌ها، طراحی جنگ داخلی و ایجاد ناامنی در مناطق مرزی ایران بود که رهبر انقلاب اسلامی نیز در دیدار اخیر دانشجویان و دانش‌آموزان به آن اشاره کردند.

آمریکا از همان روزهای ابتدایی پیروزی انقلاب اسلامی، در فکر تجزیه ایران به چند منطقه کوچک‌تر بود تا از این راه بتواند ابتدا حاکمیت مرکزی را تضعیف کند و سپس دست به براندازی انقلاب اسلامی بزند. در راستای این هدف، آمریکا توطئه‌های گوناگونی را طرح‌ریزی کرد.

به گزارش «وطن امروز» به نقل از مرکز اسناد انقلاب اسلامی و بنا بر اسناد کشف‌شده از لانه جاسوسی آمریکا، یکی از دیپلمات‌های آمریکایی به نام «جان گریوز» اظهار می‌کند: «هیچ‌یک از گروه‌ها، اعم از رهبران سنتی، نیروهای مسلح، مدیران و تکنسین‌های غرب‌زده، سیاستمداران لیبرال‌دموکرات، آژمان‌گرایان شبه‌نظامی و بالاخره افراطیون چپ‌گرا که شامل کمونیست‌ها نیز می‌شوند، نمی‌توانند به نحو آشکار برای به دست گرفتن قدرت اقدام کنند؛ چون همیشه این خطر هست بنیادگرایان اسلامی که از حمایت

دیگر دولت‌های غربی از جمله انگلیس و فرانسه بودند. با آغاز آشوب‌های خیابانی از اواخر شهریورماه سال قبل، گروه‌های تجزیه‌طلب در غرب کشورمان تمام‌اتهام خود را به بهره‌برداری از این ناامنی‌ها معطوف کردند. با این حال همه چیز به برنامه‌ریزی گروه‌های تجزیه‌طلبی همچون کومله و دموکرات محدود نمی‌شد. بهره‌گیری از این گروه‌ها به شکل ویژه‌تری از سوی دولت‌های غربی به عنوان برنامه‌ریزان اغتشاشات نیز پیگیری می‌شد. ضدانقلاب خارج‌نشین نیز ابایی از نشست و برخاست با تجزیه‌طلبان نداشت.

در همان روزها، یک فایل صوتی از رعنا رحیم‌پور، خبرنگار بی‌بی‌سی فارسی منتشر شد که عملا به وجود یک سناریو برای فعال کردن گسل‌های قومیتی و حرکت به سمت تجزیه‌طلبی در حاشیه آشوب‌های خیابانی در ایران اعتراف می‌کرد. در این فایل صوتی وی به شکل بی‌پرده از هدف تکنکته و تجزیه شدن ایران خبر می‌دهد و تأکید می‌کند هدف پشت پرده آشوب‌طلبی‌ها در ایران نه دموکراسی، بلکه تجزیه است. رحیم‌پور مشخصا خبر می‌دهد در رسانه سعودی این پرتیز نشان ابلاغ شده که فقط با رهبران احزاب «تجزیه‌طلب» گفت‌وگو و به آنها تریبون داده شود.

زیر پرچم خود گرد آوردند و یک آشوب تجزیه‌طلبانه جدید را در منطقه حساس کوچ ایل قشقایی (از جنوب اصفهان تا خلیج فارس) پدید آوردند.

خسرو قشقایی قبل از بازگشت به ایران، به واشنگتن رفته و طرح عملیات را با مقامات سازمان «سیا» هماهنگ ساخته بود اما توطئه برادران قشقایی به‌رغم تمهیدات مفصل مادی و فرهنگی به نتیجه نرسید. سرانجام، شورش نافرجامی که به غائله «اردوخان» شهرت یافت، تنها توانست عده معدودی را به عنوان اعضای ثابت به خود جذب کند که شورش آنها نیز با مداخله قوای انتظامی پایان یافت.

اما دولت آمریکا که در سال ۱۳۵۸ تلاش بسیاری برای حمایت از طرح‌های تجزیه‌طلبانه گروهک‌های مختلف به عمل آورده بود، با توجه به وضعیت نه‌چندان مساعد کشور در آن مقطع، آنچنان به موفقیت این طرح‌ها دل بسته بود که یکی از سناتورهای آمریکایی به نام سناتور «جکسون» طی مصاحبه‌ای در مهر ۱۳۵۸ اظهار کرده بود: «انقلاب ایران محکوم به شکست است و آن کشور در آستانه تجزیه به قطعات کوچک است.» در جریان اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱ نیز پروژه تجزیه ایران هدف اصلی گروه‌های ضایرانی بود؛ گروه‌هایی که تحت حمایت مستقیم رژیم صهیونیستی، آمریکا و

امکان موفقیت دارند.»

در راستای پیاده کردن این طرح‌ها، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، آمریکا به حمایت پنهانی از گروه‌های تجزیه‌طلب پرداخت. «حزب دموکرات کردستان ایران» که برای تجزیه کردستان از ایران دست به فعالیت زده بود، در همان نخستین ماه‌های فعالیت خود (اوایل تابستان ۱۳۵۸) میلیون‌ها دلار کمک از «پیمان ناتو» دریافت کرد و از نخستین گروه‌هایی بود که وارد مبارزه مسلحانه با نظام نوپای جمهوری اسلامی شد.

علاوه بر این، «مایلز کاپلند» نیز که در جنگ دوم جهانی با ژنرال «دونان» در دستگاه امنیتی ارتش آمریکا و در تدارک کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نیز با «کریمت روزولت» همکاری کرده بود، اوایل سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۸) به عنوان عضو گروهی از مشاوران بین‌المللی برای دیدار از مناطق عشایری و بررسی امکان شورش آنها به ایران سفر می‌کند.

پس از مدتی، ۲ نفر از روشناس سابق ایل قشقایی به نام‌های خسرو و ناصر قشقایی از آمریکا و آلمان غربی به ایران آمدند و بلافاصله به استان فارس عزیمت و مدعی ریاست ایل قشقایی شدند. برادران قشقایی با حمایت از بنی‌صدر، تلاش زیادی کردند تا عشایر فارس را مجددا



اولین جلسه دادگاه رسیدگی به دادخواهی خانواده‌های شهدای مدافع حرم از گروهک‌های تروریست تحت حمایت دولت آمریکا برگزار شد

خانواده‌های شهدای مدافع حرم از جایگاه شاکلی

آمریکا محدود چند دهه اخیر و پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران نیست بلکه قبل از انقلاب هم اقدامات متعددی آمریکا علیه ایران داشته که حاکی از آن است که اقدامات آمریکا مقدم بر دشمنی با حاکمیت ایران با ملت ایران است و آموزش سناواک و کودتای ۲۸ مرداد از جمله شواهدی بر دشمنی آمریکا با ملت ایران است. در ادامه عقیده ملازاده، مادر شهید مدافع حرم محمود

رادمهر از مازندران در جایگاه حاضر شد و ضمن تشکر از قوه‌قضائیه برای برگزاری این دادگاه بین‌المللی که چهره واقعی آمریکای تروریست‌پرور را برملا می‌کند، بیان کرد: فرصت را مغتنم می‌شمارم و به گوشه‌ای از اهداف آمریکا در طراحی و ایجاد گروه‌های تروریستی خطرناک مانند القاعده، داعش، جبهه النصر و... در منطقه غرب آسیا بویژه در عراق و سوریه می‌پردازم. وی ادامه داد: برابر گزارش‌های رسمی در بحران سوریه، ایالات متحده از گروه‌های نیابتی شورشی ضد دولت قانونی سوریه حمایت و از درگیری مستقیم با ارتش و نیروهای سوریه اجتناب کرد. در ششم آوریل ۲۰۱۷ با دستور رئیس‌جمهور وقت آمریکا نیروی دریایی آمریکا از ۲ ناوشکن خود در مدیترانه، ۵۹ فروند موشک کروز به پایگاه‌های هوایی سوریه که در حال مقابله با داعش و گروه‌های تروریستی در سرزمین خود بودند، شلیک کرد. این حمایت آشکار آمریکا از گروه‌های تروریستی سند حمایت مستقیم آمریکا از تروریست‌های دست‌نشانده خود در سوریه است. ملازاده گفت: با توجه به جنایاتی که گروه‌های

ارسال شده و خوانندگان مستحضر از برگزاری این جلسه دادگاه بودند، بنابراین مقدمات حقوقی برای این دادگاه فراهم شده است. وی ادامه داد: وفق قانون و موافقتنامه‌ها، دولت‌های عراق و سوریه رسماً درخواست خدمات مستشاری از جمهوری اسلامی ایران مطرح کرده بودند و دولت آمریکا وفق مستندات از این موضوع مطلع بوده است.

رئیس شعبه ۵۵ دادگاه حقوقی بین‌المللی افزود: موضوع مطرح برای این دادگاه این است که آمریکا به عنوان دولت خواننده دادگاه از سوی ائتلافی را علیه داعش راه می‌اندازد اما مطابق مستندات همین دولت به گروهک‌های تروریستی و تکفیری غذا، پوشاک و سلاح می‌رساند است و تعرض از همین موضوع دلیلی بر احراز حقوق خواهان است. قاضی حسین‌زاده گفت: دولت آمریکا و مقامات آنها با استفاده ناروا از فضای مجازی همواره بد را خوب و خوب را بد جلوه داده‌اند و سوال این است که چرا قدرت استکبار آشکارا با انتشار تصاویری از اقدامات گروهک‌های تکفیری از آنها حمایت می‌کند؛ دلایلی که تقویت گروهک‌های تروریستی در به شهادت رساندن مستشاران توسط دولت آمریکا را تأیید می‌کند.

وی اضافه کرد: گروهک‌های تروریستی اموال عراق و سوریه را به غارت بردند و آنها را به عنوان دولت غیرمدموع در مقابل این اقدامات سکوت می‌کند و این سکوت آمریکا تأیید اقدامات تروریستی گروهک‌های تکفیری است. قاضی حسین‌زاده خاطر نشان کرد: اقدامات دولت

گروه سیاسی: نخستین جلسه دادگاه رسیدگی به دادخواهی خانواده‌های شهدای مدافع حرم از گروهک‌های تروریستی تحت حمایت مستقیم دولت تروریستی ایالات متحده آمریکا روز گذشته برگزار شد.

قاضی حسین‌زاده در ابتدای جلسه، ضمن اعلام رسمیت جلسه دادگاه گفت: دادگاه حقوقی حاضر ویژه رسیدگی به دعاوی حقوقی بین‌الملل با استناد به قوانین و مقررات متعدد، صلاحیت رسیدگی به این پرونده را دارد. حسین‌زاده با اشاره به اصل ۳۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی اظهار کرد: دادخواهی حق فرد است. بر اساس قانون، محاکم دادگستری جمهوری اسلامی ایران در دعاوی مدنی علیه دولت‌هایی که مبادرت به نقض مصونیت ایران داشته باشند صلاحیت ورود دارد.

وی در ادامه افزود: در این رابطه دولت ایالات متحده وفق آرای متعدد موجود، صلاحیت دولت ما را در محاکم خود نقض کرده است، بنابراین از این نظر می‌توانیم به طرفیت این دولت اقدام دعا کنیم.

رئیس شعبه ۵۵ دادگاه حقوقی بین‌المللی اضافه کرد: دولت ایران مکلف است اقدامات و ملزومات دادخواهی را برای خانواده‌هایی که از اقدامات آمریکا خسارت دیده‌اند فراهم کند، همچنین به دولت ایران اجازه داده شده است تدارک و اقدامات را علیه دشمنان فراهم کند.

قاضی حسین‌زاده با اشاره به دادخواهی ۶۴۴ خانواده شهدای مدافع حرم اظهار داشت: این پرونده ۵۶ کلاس از استان‌های متعدد دارد و ابلاغیه برای همه خوانندگان

دولت آمریکا در شکل‌گیری گروه‌های تروریستی را به اثبات می‌رساند، سندی است که پرده از پیوند نزدیک آمریکا با گروه‌های تروریستی و نقش آن در ظهور این گروه‌های تروریستی تکفیری را ردیکال برمی‌دارد. این مادر شهید تصریح کرد: مشارکت آمریکا در آموزش تروریست‌ها و حمایت تسلیحاتی از آنها را بیان می‌کند؛ تنها در یک نمونه حمایت واشنگتن از پیروزی‌های عربستان سعودی برای ایجاد دولت اسلامی گروه‌های تروریستی در منطقه توسط رابرت فور، سفیر سابق آمریکا در سوریه، در مصاحبه با نشریه سیاست خارجی تأیید شده است.

تروریستی تکفیری در منطقه و دیگر کشورها مرتکب شده‌اند و اعترافات صریح مقامات آمریکا مبنی بر پشتیبانی از آنها، از جمله آنچه در کتاب خاطرات خانم هیلاری کلینتون، وزیر وقت خارجه ایالات متحده آمده است، آیا نباید بر اساس آموزه‌های عدالت با مقامات گذشته و حال دولت آمریکا که به همان مسیر حمایت از تروریست‌ها بویژه حمایت از تروریسم دولتی رژیم غاصب صهیونیستی ادامه می‌دهند و مکرر مرتکب نقض فاحش حقوق بشر می‌شوند، برخورد قضایی شود؟

وی در ادامه افزود: یکی از اسنادی که نقش مستقیم